

## تحلیل رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی

ضرغام فتحی\*

محمدامین کنعانی\*\*، حسن چاوشیان\*\*\*

### چکیده

مسائل زیست‌محیطی یکی از تهدیدهای عمده برای بشر در قرن بیست‌ویکم شناخته شده است. اکثر مسائل زیست‌محیطی پیامد رفتار انسان است و انواع تعیین‌کننده‌های زمینه‌های هویتی در آن دخیل‌اند؛ به‌طوری که در بررسی رفتارهای زیست‌محیطی توجه به سبک زندگی و نحوه مواجهه افراد با محیط زیست حائز اهمیت است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی رابطه بین سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان شهر رشت است. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری افراد بالای شانزده سال ساکن شهر رشت است که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه معناداری وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد مسئله محیط زیست در شهرهایی مانند رشت به‌منزله مسئله مهم اجتماعی تلقی نمی‌شود و بحثی است که هنوز وارد عرصه عمومی نشده و محدود به نخبگان جامعه است.

**کلیدواژه‌ها:** مسائل زیست‌محیطی، رفتارهای زیست‌محیطی، سبک زندگی، رشت.

---

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، zarghamfathi@gmail.com

\*\* استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، aminkanani@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، hasanchavoshian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۱۶

## ۱. مقدمه

جهان به‌جای ورود به دنیای پست‌مدرن به سوی دوره‌ای گام برمی‌دارد که در آن پیامدهای مدرنیته ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر از پیش شده است (گیدنز، ۱۳۸۹). ما امروزه در نظامی جهانی زندگی می‌کنیم و امنیت و سلامت ما با مخاطراتی روبه‌روست، مخاطراتی که هیچ‌یک از نسل‌های پیشین آن‌ها را تجربه نکرده است. یکی از این مخاطرات مسائل مربوط به محیط زیست و پیامد رفتار انسان با طبیعت است؛ به‌گونه‌ای که اکثریت دانشمندان پذیرفته‌اند مسائلی که امروزه محیط زیست با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند نتیجهٔ شتاب‌گرفتن توسعهٔ صنعتی و تکنولوژیکی و گسترش مداوم مداخلهٔ انسان در طبیعت بوده است. گسترش شهرنشینی، تولید صنعتی، آلودگی، طرح‌های کشاورزی بزرگ‌مقیاس، تأسیس سدها و نیروگاه‌های هیدروالکتریکی، و برنامهٔ نیروی هسته‌ای فقط بعضی از موارد دست‌کاری آدمیان در محیط طبیعی‌شان است. برآیند کلی این فرآیندها تخریب گستردهٔ محیط زیست بوده است که پیامدهای آن نیز به دشواری قابل محاسبه است (همان: ۹۷-۹۸). رفتارهای زیست‌محیطی مجموعه‌ای از کنش‌های مربوط به محیط زیست در طیفی وسیع شامل احساسات، تمایلات، و آمادگی‌های خاص برای رفتار با محیط زیست است. افراد هر جامعه برحسب اوضاع و مقتضیات خاص اجتماعی و فرهنگی برخورد متفاوتی با محیط زیست دارند. این برخوردها ممکن است کاملاً منفی و علیه محیط زیست یا برعکس کاملاً مثبت و به سود آن باشد (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸؛ همان: ۱۳۸۹) و یا خنثی باشد.

الریش بک (۱۳۸۸) معتقد است که این مخاطره‌ها دارای ابعاد جهانی است و از نظر اجتماعی به فضا یا زمان محدود نمی‌شود. از این رو شرایط و اصول مدرنیتهٔ صنعتی نخستین، یعنی طبقه، ملیت و به همان اندازه تصور کنترل و عقلانیت خطی اقتصادی - فنی را بی‌اثر می‌کند. تشدید پیامدهای مدرنیته و وقوع تحولات بنیادین در چند دههٔ اخیر نظریه‌پردازان اجتماعی را به سمت نقش فزایندهٔ سبک زندگی در برساختن هویت شخصی و اجتماعی سوق داده است. در بدنهٔ معرفت و پیشینهٔ کلاسیک جامعه‌شناسی مفهوم طبقه برای مدتی طولانی اصل طلایی تبیین بود. از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم نظریه‌پردازان اجتماعی و فرهنگی کم‌کم زندگی روزمره را به‌منزلهٔ حوزه‌ای پویاتر و پرمنازعه مفهوم‌پردازی کردند. بر این اساس، گفته می‌شود که دیگر نمی‌توان زندگی روزمره را به‌صورت کلیتی متجانس و همگون توصیف کرد، ازهم‌گسیختن مدرنیته و به‌دنبال آن کاسته‌شدن از اهمیت تلقی‌های مدرنیستی از هویت که براساس طبقه، جنسیت، و شغل

شکل می‌گرفت از یک‌طرف و رواج فزاینده صنعت فرهنگ و رسانه‌ها از طرف دیگر نقش مهمی در ایجاد و القای شکل‌های نوین هویت اجتماعی براساس الگوی مصرف و فراغت داشته است (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱).

در چنین وضعیتی سبک زندگی انعطاف‌پذیرتر است (همان)، زیرا برخلاف مفهوم طبقه، محتوا منطق یا منشأ زندگی را از پیش تعیین نمی‌کند. سبک زندگی دربرگیرنده فعالیت‌های فراغت، مصرف فرهنگی، و الگوی روابط اجتماعی است و نگرش، ارزش‌ها، و جهان‌نگری افراد را منعکس می‌کند. به بیان دیگر، سبک‌های زندگی کردارهایی است که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده است، کردارهایی که نمایان‌گر هویت‌های فردی، گروهی، و اجتماعی است. سبک زندگی فقط حاکی از این است که برخی پیشینه‌ها، فعالیت‌ها، درآمد‌ها، و نگرش‌ها با یک‌دیگر سازگارند و تحلیل‌گر اجتماعی می‌تواند آن‌ها را ترسیم کند (همان).

در جوامع پیشامدرن غالباً سنت رفتار روزمره را هدایت می‌کرد؛ یعنی مرجعیت اعمال پیشین تعیین‌کننده رفتار بود. در حالی که، در جوامع مدرن اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید بازبینی می‌شود. درحقیقت، فرآیند مستمر بازاندیشی یا تولید دانش درباره فرآیندهای اجتماعی در حوزه‌های اجتماعی بیش‌تر (از خانواده گرفته تا آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی، و حکومت) به جزء نهادینه‌شده عمل اجتماعی بدل شده است. گیدنز مدعی است که فرآیند بازاندیشی در سطح نهادی و بین فردی یگانه مشخصه مدرنیته نیست، بلکه تعامل یا بازخورد میان این دو سطح نیز از جمله این مشخصه‌هاست. دانشی که نهادها ایجاد می‌کنند نه تنها در اعمال نهادی، بلکه از سوی افراد نیز به کار گرفته می‌شود (سیدمن، ۱۳۸۶). به این معنی که آگاهی از یک مسئله می‌تواند در تصمیم‌گیری راجع به آن مسئله تأثیر گذارد خصوصاً اگر این آگاهی چیزی بیش از یک آگاهی صرف باشد.

وقتی صحبت از محیط زیست و مسائل آن می‌شود این مفهوم ضمنی را به‌همراه می‌آورد که تهدیدات زیست‌محیطی پیش روی هر کسی که روی کره زمین زندگی می‌کند قرار می‌گیرد، چراکه مسائل زیست‌محیطی مرز سیاسی نمی‌شناسد و مرزهای ملی را درمی‌نوردد؛ به‌گونه‌ای که در سطح کلان با کشورها و نظام بین‌الملل و در سطح خرد با امور روزمره پیوند خورده است. این حقیقت پرتوهای پرفروغ‌تری به این واقعیت می‌تاباند که وابستگی‌های متقابل و تازه‌ای بین همه نظام‌های جهانی پدید آمده است. ژرفای وابستگی‌ها بدان حد رسیده است که تأثیرات دوربرد فعالیت‌های شخصی مسائل سیاره‌ای را عملاً به درون خانه‌های ما کشانده است. به‌طوری که دست‌وپنجه‌نرم‌کردن با خطرهای متصور از

آسیب‌دیدگی نظام زیست‌محیطی کره زمین به واکنش‌هایی جهانی و منتظم در سطوحی فراتر از کنش انفرادی وابسته است. از سوی دیگر، چنین خطرهایی به‌طور مؤثر رفع نخواهد شد مگر آن‌که واکنش‌ها و انطباق‌پذیری‌های جدی از طرف هر یک از افراد جامعه بشری نشان داده شود.

در اوضاع و احوالی که انواع بازتابندگی‌ها به‌طرز پیچیده‌ای در یک‌دیگر تنیده شده‌اند، حداکثر آگاهی از ماهیت بازتابی نظام‌هایی که به‌طور مستمر الگوهای زیست‌محیطی را تغییر می‌دهند هم لازم است و هم چاره‌ساز؛ دنیای روابط اجتماعی و تأثیر بازتابی آن‌ها در شیوه زندگی باعث شده که تصمیم‌گیری شخصی افراد در ملاحظات جهانی تأثیر گذارد. با پیش‌کشیده شدن مسائل مربوط به محیط زیست طبیعی، و این‌که موجودات زنده در معرض فرآیند انحطاط و نابودی بسیار ژرف و دوربردی قرار گرفته‌اند، دگرگونی‌های مهمی در رفتارهای انسان پدید می‌آید؛ زیرا آگاهی به این واقعیت که طبیعت عملاً به پایان هستی خود نزدیک می‌شود فقط به کارشناسان و متخصصان منحصر نیست. بخش وسیعی از مردم عادی نیز به این خطر پی برده‌اند. یکی از مباحث روشن و آشکار مسئله محیط زیست در سیاره ما این است که مردم بیش از پیش درمی‌یابند که هرگونه پیش‌گیری یا متوقف‌کردن فرآیند نابودی و انحطاط محیط زیست طبیعی کره زمین مستلزم پذیرش الگویی تازه برای سبک زندگی (lifestyle) است (گیدنز، ۱۳۸۹).

در قرن حاضر رفتار زیست‌محیطی، به‌منزله یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در محیط زیست، مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان زیست‌محیطی قرار گرفته است. مطالعات دانلپ و ون‌لیسر (Dunlap and Van liere, 1978)، فیلو و یاکوبسن (Faillo and Jacobsen, 1994)، دانلپ و همکاران (Dunlap et al., 2000)، گرافتون و همکاران (Grafton et al., 2003)، پری‌زنگنه و همکاران (Parizangene et al., 2005)، صالحی (Salehi, 2008)، فردوسی و مرتضوی (۱۳۸۶)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰)، و میبودی (۱۳۹۱) نشان می‌دهند که آگاهی و شناخت از محیط زیست متغیر مؤثری در رفتار زیست‌محیطی است، اما کم‌تر به سبک زندگی، به‌منزله متغیر تأثیرگذار در محیط زیست و رفتارهای زیست‌محیطی، توجه کرده‌اند؛ به‌طوری‌که، در داخل ایران این مسئله به‌هیچ‌وجه بررسی نشده و معدود مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور مانند مطالعه هان‌پا (Haanpaa, 2007)، اسکوگن (Scogan, 2010)، سزری (Szerényi, 2011)، و توماس (Thomas, 2013) نشان می‌دهند که سبک زندگی متغیر مؤثری در رفتارهای زیست‌محیطی است. به‌طوری‌که، سبک‌های متعدد زندگی تعهد حمایت از محیط زیست را بهتر از متغیرهای سنتی اجتماعی و اقتصادی

توضیح می‌دهد. شایان ذکر است که در پژوهش‌های یادشده بیش‌تر به رفتارهای زیست‌محیطی با رویکرد مصرف توجه شده است و کم‌تر به نحوه مواجهه یا برخورد افراد با محیط زیست توجه شده است. بنابراین، در این پژوهش قصد داریم نحوه مواجهه افراد با محیط زیست طبیعی را بررسی کنیم.

کلان‌شهر رشت با مسائل زیست‌محیطی مانند آلودگی رودخانه‌ها، آب‌های سطحی، ازبین‌رفتن جنگل، و زباله مواجه است. به‌طوری که درباره رودخانه زرچوب شواهد حاکی از این است که روزانه بیش از ۱۵۰ هزار مترمکعب فاضلاب (خانگی، بیمارستانی، و صنعتی) در آن ریخته می‌شود. با توجه به این‌که مسائل زیست‌محیطی هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند و آگاهی از آن در بین بخش وسیعی از مردم همه‌گیر شده است، این احتمال وجود دارد که بین سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی در رشت رابطه وجود داشته باشد. در این جستار تلاش خواهیم کرد چگونگی این رابطه را بررسی کنیم.

## ۲. روش مطالعه

این پژوهش به لحاظ روش‌شناختی از رویکردی کمی بهره می‌برد و با توجه به ماهیت طرح روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. به‌منظور اندازه‌گیری و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از روش پرسش‌نامه و مراجعه مستقیم به شهروندان رشت استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل همه افراد شانزده سال به بالای ساکن رشت است که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ تعداد ۶۹۸۰۱۴ نفر برآورد شده است (سال‌نامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۰). حجم نمونه آماری نیز ۴۰۰ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای با مراجعه به واحدهای نمونه در رشت در زمستان ۱۳۹۲ انتخاب شدند. با توجه به این‌که در این پژوهش تمامی متغیرها در سطح فرد و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده است، واحد تحلیل آن فرد است. در سطح تحلیل داده‌ها، نخست با استفاده از نرم‌افزار آماری IBM SPSS ورود داده‌ها انجام شد و بعد از انجام دادن آزمون‌های آماری رابطه متغیرهای پژوهش بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

شایان ذکر است که پرسش‌نامه محقق‌ساخته از حیث اندازه‌گیری دارای ۴۰ گویه است؛ به‌منظور ساختن شاخص‌هایی که تا حد امکان بتواند متغیرهای مورد بررسی را اندازه بگیرد، علاوه بر مشاوره با برخی صاحب‌نظران و پژوهشگران (تأمین نوعی اعتبار صوری)، با حدود ۳۰ نفر از شهروندان مرد و زن ساکن رشت مصاحبه شد. افزون بر این، برای ارزیابی

روایی وسیله اندازه‌گیری تحقیق، در مرحله اول پیش‌آزمون به عمل آمد. به این ترتیب که پرسش‌نامه طراحی شده میان ۳۰ نفر از زنان و مردان (حدود ۱۰ درصد کل پاسخگویان) توزیع شد و پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار فوق‌الذکر، میزان سازگاری درونی گویه‌ها به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که جزئیات آن در جدول ۱ آمده است. با توجه به این که پرسش‌نامه دارای بعد زیست‌محیطی و سبک زندگی بود، امتیازدهی به گویه‌های رفتارهای زیست‌محیطی روی یک پیوستار ۱ تا ۳ انجام پذیرفت؛ به این معنی که به رفتار حامی زیست‌محیطی عدد یک، به رفتار خنثی عدد دو، و به رفتار مخرب زیست‌محیطی عدد سه اختصاص یافت. هم‌چنین گویه‌های سبک زندگی از ۱ تا ۵ امتیازدهی شد که از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف را دربر می‌گرفت.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ برای مفاهیم اصلی تحقیق

متغیرها و مفاهیم اصلی	تعداد	نمونه‌ها / مشاهدات	ضریب آلفا	وضعیت روایی
رفتارهای زیست‌محیطی	۱۸	۲۹	۰/۷۳	خوب
سبک زندگی	۱۴	۲۴	۰/۶۹	خوب

### ۳. نتایج پردازش‌های توصیفی یک‌متغیره

#### ۱.۳ توصیف متغیرهای زمینه‌ای

در این تحقیق علاوه بر تلاش برای تبیین رابطه سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی، سعی شده است تمایزپذیری و تغییر مقوله رفتارهای زیست‌محیطی درباره یک‌سری از متغیرهای زمینه‌ای مانند جنسیت، سن، وضعیت تأهل، و تحصیلات تبیین شود. بر این اساس، در جدول ۲ وضعیت پاسخ‌گویان تحقیق از حیث این چهار متغیر زمینه‌ای توصیف شده است. نتایج جدول ۲ بیان‌گر آن است که از لحاظ جنسیت ۴۰/۲ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۵۹/۸ درصد زن‌اند، از نظر سنی بیش‌ترین فراوانی گروه‌های سنی پاسخ‌گویان مربوط به گروه سنی ۱۶-۳۰ سال است که بیش از ۵۳/۳ از پاسخ‌گویان را شامل می‌شود؛ هم‌چنین کم‌ترین گروه سنی نیز با فراوانی ۳/۴ درصد یعنی فقط ۱۲ نفر مربوط به پاسخ‌گویانی است که بالاتر از ۶۰ سال داشته‌اند. هم‌چنین آماره‌های توصیفی مربوط به وضعیت تأهل بیانگر آن است که ۵۴ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و بیش از ۴۳ درصد از افراد را متأهلان تشکیل می‌دهند. نهایتاً ۰/۶ درصد از افراد بی‌سواد بودند، ۱۰/۲ درصد آن‌ها دارای مدرک تحصیلی زیردیپلم، ۳۱/۷ درصد دیپلم،

۱۱ درصد کاردانی، ۳۸/۲ درصد مدرک کارشناسی، ۸/۲ درصد افراد دارای مدرک ارشد و بالاتر بودند. بیشترین میزان تحصیلات مربوط به کسانی است که دارای مدرک کارشناسی (۳۸/۲) و کمترین میزان مربوط به افرادی است که دارای مدرک تحصیلی ارشد و بالاتر (۸/۲) بودند.

جدول ۲. توزیع فراوانی و آماره‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای مطالعه

متغیر	مقوله	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی معتبر
جنسیت	مرد	۱۴۳	۴۰/۲	۴۰/۲
	زن	۲۱۱	۵۹/۸	۱۰۰
سن	۳۰-۱۶	۱۸۸	۵۳/۶	۵۵/۹
	۴۵-۳۱	۱۲۷	۳۶	۳۳/۴
	۶۰-۴۶	۲۶	۷/۴	۷/۲
	بالای ۶۱	۱۲	۳/۴	۳/۴
وضعیت تأهل	مجرد	۱۹۱	۵۴/۱	۵۴/۱
	متأهل	۱۵۲	۴۳/۱	۴۳/۱
	بدون همسر	۱۰	۲/۸	۲/۸
تحصیلات	بی‌سواد	۲	۰/۶	۰/۶
	زیردیپلم	۳۶	۱۰/۲	۱۰/۲
	دیپلم	۱۱۲	۳۱/۷	۳۱/۷
	فوق‌دیپلم	۳۹	۱۱	۱۱
	لیسانس	۱۳۵	۳۸/۲	۳۸/۲
	ارشد و بالاتر	۲۹	۸/۲	۸/۲

### ۲.۳ توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

گام دوم برای شناخت توصیفی از جمعیت مورد مطالعه توصیف نحوه توزیع رفتارهای زیست‌محیطی در میان آن‌هاست. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که ۷/۱ درصد از پاسخ‌گویان رفتار زیست‌محیطی مخرب، ۵۸/۶ درصد از پاسخ‌گویان رفتارهای زیست‌محیطی خنثی یا بی‌طرفانه، و ۳۴/۳ درصد از پاسخ‌گویان رفتارهای مساعد زیست‌محیطی دارند.

سبک زندگی یکی از مهم‌ترین متغیرهای تحقیق است. این مفهوم هشت مقوله مطالعه، فیلم‌دیدن، رفتن به کلاس‌های آموزشی، گوش دادن به موسیقی، انجام دادن فعالیت‌های

#### ۹۴ تحلیل رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی

مذهبی، مسافرت رفتن، ورزش کردن، و میزان روابط و احساس دوستی را بررسی کرده است که نتایج توصیفی آن به شرح زیر است:

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیر مستقل سبک زندگی

انحراف معیار	میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه‌ها
۱/۱۹	۲/۲۹	۱۳/۳	۱۳/۳	۳۸/۸	۲۰/۷	۱۳/۹	مطالعه کردن
۱/۱۱	۲/۳۷	۴/۵	۸/۲	۳۴/۸	۲۴/۱	۲۸/۳	فیلم تماشا کردن
۱/۳۸	۳/۷۷	۴۷/۹	۱۳/۹	۱۸/۴	۷/۴	۱۲/۵	رفتن به کلاس‌های آموزشی
۱/۲۲	۲/۱۷	۵/۷	۹/۶	۲۳/۸	۱۹	۴۱/۹	گوش دادن به موسیقی
۱/۳۴	۳/۳۷	۲۹/۷	۱۳/۳	۳۳/۴	۱۰/۸	۱۲/۷	انجام دادن فعالیت‌های مذهبی
۱/۲۳	۲/۹۵	۱۱	۲۲/۴	۳۵/۴	۱۳	۱۸/۱	مسافرت رفتن
۱/۲۰	۲/۸۱	۸/۸	۱۹/۳	۳۶/۳	۱۵/۹	۱۹/۸	ورزش کردن

یافته‌های جدول فوق بیان‌گر این مطلب است که افراد میانگین زمانی را که برای فعالیت‌های فراغتی اختصاص می‌دهند ۲/۸۲ درصد است که از سطح متوسط کم‌تر است، اما این آماره برای تک‌تک گویه‌های به‌کاررفته برابر نیست و دارای سطوح حداکثری و حداقلی است. برای نمونه، گویه «گوش دادن به موسیقی» دارای بیش‌ترین پاسخ‌ها و گویه «رفتن به کلاس‌های آموزشی» دارای کم‌ترین پاسخ‌هاست.

#### ۴. نتایج پردازش‌های دومتغیره توصیفی و استنباطی

در این قسمت از مقاله نتایج پردازش‌های دومتغیره و مرتبط با پرسش‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری مناسب ارائه می‌شود.

پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از این که چه ارتباطی بین سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی وجود دارد؟ برای سنجش ارتباط بین رفتارهای زیست‌محیطی و سبک زندگی ترکیبی از پرسش‌های باز و بسته استفاده شد. پرسش‌های بسته در قالب لیکرت پنج‌مقوله‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، و خیلی کم) از پاسخ‌گو درباره میزان رسیدگی به فعالیت مورد نظر در اوقات فراغت سؤال می‌کند. سپس در قالب پرسشی باز، از پاسخ‌گو درباره نوع فعالیتی که دنبال می‌کند سؤال می‌شود. برای سنجش رابطه بین رفتار



زیست محیطی با سبک زندگی، رابطهٔ هریک از معرف‌های سبک زندگی در پرسش‌های باز، به‌منزلهٔ متغیر مستقل، به‌طور جداگانه با رفتارهای زیست محیطی بررسی شد، که به‌تفصیل ارائه می‌شود.

#### ۱.۴ میزان مطالعه و رفتارهای زیست محیطی

در انتخاب متغیر میزان مطالعه فرض پژوهش‌گر بر این پایه استوار بود که ممکن است بین سرمایهٔ فرهنگی و نوع رفتارهایی که افراد در مواجهه با طبیعت از خود بروز می‌دهند رابطه وجود داشته باشد. از آن‌جا که سطح سنجش متغیرها ترتیبی است، برای سنجش شدت رابطهٔ آن‌ها ضریب هم‌بستگی تاویبی‌کنندال مناسب تشخیص داده شد و به‌کار رفت. ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر مطالعه و رفتار زیست محیطی  $0/048-$  و سطح معنی‌داری آن  $0/260$  است. یافته‌های این آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

با توجه به این‌که گفتمان محیط زیست بیش از سه دهه است که در کانون توجه است و سال‌هاست که در کشورهای گوناگون وارد کتاب‌های درسی و غیردرسی شده است، انتظار می‌رود که بین دو متغیر رفتارهای زیست محیطی و میزان مطالعه رابطهٔ معناداری وجود داشته باشد در حالی که این‌گونه نیست. یکی از دلایلی که می‌توان برای این امر ذکر کرد شاید بی‌ربط بودن موضوع مورد مطالعه باشد، به این معنی که ممکن است محتوای موضوعاتی که افراد مطالعه می‌کنند ربطی به مسئلهٔ محیط زیست نداشته باشد. برای آگاهی از این مسئله طی پرسشی باز از پاسخ‌گویان دربارهٔ نوع موضوعاتی که مطالعه می‌کنند پرسیده شد. پاسخ‌ها در یازده مقولهٔ فلسفی، روان‌شناسی، مذهبی، تاریخی، اجتماعی، پزشکی، ورزشی، درسی، روزنامه/مجله/وب، شعر، و رمان گنجانده شد. سپس، به‌طور جداگانه رابطهٔ هریک از این مقوله‌ها با رفتارهای زیست محیطی بررسی شد. با توجه به سطح سنجش متغیرها که اسمی بود، از ضریب تاوگودمن و کروسکال برای سنجش رابطهٔ آن‌ها با رفتارهای زیست محیطی استفاده شد تا مشخص شود چه مقدار از تغییرات حاصل در متغیر وابسته (رفتار زیست محیطی) را می‌توان با استفاده از متغیر مستقل (مواد مطالعه) پیش‌بینی کرد. یافته‌های این آزمون‌ها نشان داد که هیچ‌یک از مواد مطالعه به‌منزلهٔ متغیر مستقل نمی‌تواند تغییرات متغیر وابسته (نگرش زیست محیطی) را پیش‌بینی کند.

برای نمونه، متغیر مطالعه کتاب‌های درسی فقط ۰/۰۰۲ از تغییرات متغیر وابسته (رفتارهای زیست‌محیطی) را می‌تواند پیش‌بینی کند. جای خالی محیط زیست را نخست باید در کتاب‌های درسی جست‌وجو کرد، چراکه در کتاب‌های درسی و آموزشی مسائل دربرگیرنده نگرش‌ها، مهارت‌ها، و رفتارهای زیست‌محیطی دیده نمی‌شود. یافته‌های حاصل از پایان‌نامه میبودی، با عنوان «بررسی جایگاه حفاظت از محیط زیست و تنوع زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی»، نیز مؤید این امر است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های درسی در این دوره بیش‌تر در جهت توجه به دانش زیست‌محیطی است و کم‌تر شامل مهارت‌ها، گرایش‌ها، و رفتارها می‌شود (میبودی، ۱۳۹۱).

#### ۲.۴ رفتن به کلاس‌های آموزشی (فوق‌برنامه) و رفتارهای زیست‌محیطی

در انتخاب متغیر رفتن به کلاس‌های آموزشی فرض محقق این بود که رفتن به کلاس‌های آموزشی می‌تواند یکی از معرف‌های سرمایه فرهنگی باشد. رفتن به کلاس‌های آموزشی می‌تواند مجسم‌کننده، ذخیره‌کننده، یا تأمین‌کننده ارزش فرهنگی خاصی باشد، چراکه سرمایه‌ای فرهنگی می‌تواند به صورت ناملموس، یعنی به صورت سرمایه معنوی، در قالب ایده‌ها، عقیده‌ها، و ارزش‌های فرهنگی در یک گروه مشترک باشد. در تحقیق حاضر با توجه به سطح سنجش متغیرها که ترتیبی بود از ضریب هم‌بستگی تاویب‌کنندال برای سنجش رابطه بین دو متغیر استفاده شد.

یافته‌های آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که بین میزان رفتن به کلاس‌های آموزشی و رفتار زیست‌محیطی ارتباط معناداری وجود ندارد. علت این امر بی‌ارتباط با یافته‌های «متغیر مطالعه» نیست. برای بررسی این مسئله طی پرسشی باز از پاسخ‌گویان پرسیده شد که آن‌ها معمولاً به چه نوع کلاس‌هایی می‌روند. جواب‌های پاسخ‌گویان در هفت مقوله شامل کلاس‌های موسیقی، نقاشی، تئاتر، ورزش، تعمیرات/باغدگی/آشپزی، آموزشی درسی، و خوش‌نویسی گنجانده شد. با توجه به سطح سنجش متغیرها، از ضریب گودمن و کروسکال برای سنجش رابطه آن‌ها استفاده شد و ارتباط هر یک از متغیرها به‌طور جداگانه با رفتار زیست‌محیطی بررسی شد. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که بین رفتن به کلاس‌های آموزشی (فوق‌برنامه) و رفتارهای زیست‌محیطی ارتباطی وجود ندارد. به‌طوری که، درصد آن برای پیش‌بینی متغیر وابسته از ۰/۰۰۳ تجاوز نمی‌کند.

### ۳.۴ ارتباط بین میزان تماشای فیلم و رفتارهای زیست‌محیطی

فرض محقق برای گنجاندن متغیر تماشای فیلم در پرسش‌نامه بر این اساس استوار است که با توجه به نقشی که رسانه به معنای عام و فیلم به معنای خاص در انتقال مفاهیم فرهنگی - اجتماعی دارد و با توجه به این که فیلم‌های بسیاری با مضامین زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر ساخته شده‌اند، این احتمال وجود دارد که بین تماشای فیلم و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود داشته باشد. بر پایه همین پیش‌فرض، در قالب طیف لیکرت پنج‌مقوله‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، و خیلی کم) از پاسخ‌گویان درباره میزان فیلم دیدن پرسیده شد. با توجه به این که پرسش‌ها در سطح سنجش ترتیبی قرار داشت، از ضریب تاوبی‌کندال برای سنجش رابطه بین دو متغیر استفاده شد.

یافته‌های آزمون آماری تاوبی‌کندال نشان می‌دهد که بین میزان تماشای فیلم و رفتار زیست‌محیطی ارتباط معناداری وجود دارد و جهت رابطه مستقیم و مثبت است. برای آگاهی از ابعاد این رابطه و این که تماشای چه نوع فیلمی با نگرش زیست‌محیطی ارتباط دارد طی پرسشی باز از پاسخ‌گویان پرسیده شد که معمولاً چه نوع فیلم‌هایی تماشا می‌کنند، پاسخ‌ها در نه مقوله جداگانه قرار گرفت. سپس برای آگاهی از ارتباط تماشای نوع خاصی فیلم با رفتارهای زیست‌محیطی از ضریب گودمن و کروسکال استفاده شد. یافته‌های آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که بین رفتارهای زیست‌محیطی و نوع فیلمی که افراد تماشا می‌کنند ارتباط معناداری وجود ندارد. با توجه به این که اکثر پاسخ‌گویان اظهار کرده بودند که بیش‌تر فیلم‌های تولید داخل را تماشا می‌کنند، این نتیجه بی‌ارتباط با محتوای سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی پخش تلویزیون سیما نیست، چراکه در اکثر فیلم‌ها و سریال‌های تولید ایران جای مضامین زیست‌محیطی خالی است.

### ۴.۴ گوش دادن به موسیقی و رفتارهای زیست‌محیطی

انگیزه محقق از گنجاندن متغیر گوش دادن به موسیقی در میان گویه‌های پرسش‌نامه پاسخ‌دادن به این مسئله بود که آیا بین داورهای ذوقی و رفتار زیست‌محیطی ارتباطی وجود دارد؟ برای سنجش رابطه بین دو متغیر میزان گوش دادن به موسیقی و رفتارهای زیست‌محیطی با توجه به سطح سنجش متغیرها از ضریب تاوبی‌کندال استفاده شد. یافته‌های آزمون آماری تاوبی‌کندال نشان داد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و جهت آن مستقیم و مثبت است. به این معنی که انتظار می‌رود با افزایش میزان گوش دادن به موسیقی پاسخ‌گویان رفتار

زیست‌محیطی مساعدی نیز داشته باشند. برای آگاهی دقیق‌تر از ابعاد این رابطه طی پرسشی باز از پاسخ‌گویان پرسیده شد که به چه نوع موسیقی‌ای گوش می‌دهند. برای سنجش رابطه نوع موسیقی‌ای که افراد گوش می‌دهند و رفتار زیست‌محیطی از ضریب تاوگودمن و کروسکال استفاده شد. یافته‌های آزمون‌های آماری نشان داد که امکان پیش‌بینی رفتارهای زیست‌محیطی از روی سلاقی موسیقایی وجود ندارد. از یافته‌های این متغیر و هم‌چنین متغیر تماشای فیلم، به‌منزله معرف‌های داوری ذوقی، می‌توان به این نتیجه رسید که بین داوری‌های ذوقی و رفتارهای زیست‌محیطی ارتباطی وجود ندارد و نمی‌توان خطوطی بین آن‌ها ترسیم کرد. رابطه مشاهده‌شده میان این متغیرها و رفتار زیست‌محیطی احتمالاً ناشی از شانس است.

#### ۵.۴ فعالیت‌های مذهبی و رفتارهای زیست‌محیطی

در این مسئله انگیزه محقق رسیدن به پاسخ این پرسش بود که آیا اصولاً افراد با گرایش‌های مذهبی رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی مناسبی هم دارند؟ برای بررسی این رابطه با توجه به سطح سنجش متغیرها از ضریب تاوبی‌کنندال استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان فعالیت‌های مذهبی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه وجود ندارد. برای پی‌بردن به این نکته که ممکن است بین نوع خاصی از فعالیت‌های مذهبی با رفتارهای زیست‌محیطی رابطه وجود داشته باشد از پاسخ‌گویان درباره میزان و نوع فعالیت مذهبی‌ای که انجام می‌دهند پرسیده شد. یافته‌های آزمون تاوبی‌گودمن و کروسکال برای تک‌تک متغیرها، شامل مسجدرفتن، ادای واجبات مانند نماز و روزه، زیارت عتبات و اهل قبور، شرکت در جلسات مذهبی به مناسبت ولادت‌ها و شهادت‌ها و شرکت در عزاداری، نشان داد که امکان پیش‌بینی رفتارهای زیست‌محیطی از روی متغیر مستقل یعنی نوع فعالیت مذهبی وجود ندارد و ارتباطی بین دو متغیر برقرار نیست. یافته‌های تحقیق نواح و فروتن‌کیا درباره ارتباط میزان دینداری و رفتارهای زیست‌محیطی (با بیان این‌که ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد) نیز یافته‌های این پژوهش را تأیید می‌کند.

#### ۶.۴ میزان رفتن به مسافرت و رفتارهای زیست‌محیطی

با توجه به اهمیت یافتن بخش فراغت در دوران مدرن و اهمیت آن در بازنمایی ارزش‌ها، علاقه‌ها، و انتظارات هدف محقق از گنجاندن این پرسش میان گویه‌های پرسش‌نامه این بود که بررسی کند آیا انتخاب‌های افراد در این حوزه، یعنی گردش و مسافرت، ارتباطی با رفتار

زیست محیطی آن‌ها دارد؟ و این‌که آیا بین نوع مکانی که افراد برای مسافرت رفتن انتخاب می‌کنند و رفتارهای زیست محیطی آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟ هم‌چنین آیا بین انتخاب محل اقامت افراد در سفر با رفتارهای زیست محیطی آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟ برای نمونه، آیا تفاوتی در رفتارهای زیست محیطی کسانی که برای مسافرت عتبات عالیات را انتخاب می‌کنند با کسانی که شهرهای توریستی تاریخی را انتخاب می‌کنند وجود دارد؟ و یا این‌که تفاوتی در رفتارهای زیست محیطی کسانی که برای اقامت به هنگام مسافرت هتل را انتخاب می‌کنند با کسانی که در چادر سکونت می‌کنند وجود دارد؟ نتایج جدول آزمون تاویبی کندال نشان داد که بین متغیر میزان رفتن به مسافرت و هم‌چنین مقصدی که افراد هنگام مسافرت رفتن انتخاب می‌کنند با رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری وجود ندارد.

هم‌چنین بنا بر نتایج آزمون گودمن و کروسکال بین انتخاب محل اقامت افراد در مسافرت با رفتارهای زیست محیطی ارتباطی وجود ندارد. از علل آن می‌تواند این باشد که محیط زیست و مسائل آن جایگاه حاشیه‌ای در جامعه ما دارند و مباحث حوزه گردش‌گری و محیط زیست جایی در مناسبات اجتماعی و فرهنگی ما ندارد. خصوصاً این موضوع در رشت نمایان است، هرچند به نظر نمی‌رسد که این مسئله مختص به رشت باشد.

رابطه بین میزان ورزش کردن و نوع آن با رفتارهای زیست محیطی و هم‌چنین رابطه متغیر روابط اجتماعی (میزان صمیمیت و احساس دوستی) با رفتارهای زیست محیطی بررسی شد، که نتایج آزمون‌های آماری برای این متغیرها از نظر آماری قابل اعتنا نبود.

جدول ۵. ماتریس هم‌بستگی بین سبک زندگی و رفتارهای زیست محیطی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	درصد معتبر	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
میزان مطالعه	رفتارهای زیست محیطی	-۰/۰۴۸	-	۰/۲۶۰
میزان رفتن به کلاس‌های آموزشی (فوق برنامه)	رفتارهای زیست محیطی	-۹/۷۱	-	۰/۳۳۱
میزان تماشای فیلم	رفتارهای زیست محیطی	۰/۱۲۷	-	۰/۰۰۲
میزان گوش دادن به موسیقی	رفتارهای زیست محیطی	۰/۱۴۶	-	۰/۰۰
میزان انجام دادن	رفتارهای زیست محیطی	-۰/۰۸۵	-	۰/۰۳۸

				فعالیت‌های مذهبی
۰/۰۹۲	-	۰/۰۷۱	رفتارهای زیست‌محیطی	میزان رفتن به مسافرت

## ۵. آزمون متغیرهای زمینه‌ای

در این جا، پس از تبیین رابطه بین سبک زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی، نوبت آن است که رابطه رفتارهای زیست‌محیطی با متغیرهای زمینه‌ای تبیین و نیز تفسیر شود.

### ۱.۵ رفتارهای زیست‌محیطی و جنسیت

انگیزش اصلی برای گنجاندن متغیر جنسیت در این پژوهش بررسی ادعای برخی از نظریه‌های فمینیستی و اکوفمینیستی بود مبتنی بر این که استعمار طبیعت با استعمار زنان هم‌پوشانی دارد. برای دست‌یابی به این منظور از ضریب لاندا برای نشان‌دادن رابطه بین دو متغیر استفاده شد. یافته‌های آزمون لاندا نشان داد که متغیر مستقل (جنسیت) فقط می‌تواند تا ۰/۰۵۳ متغیر وابسته (رفتارهای زیست‌محیطی) را پیش‌بینی کند و این از نظر آماری نمی‌تواند قابل اعتنا باشد.

### ۲.۵ سطح تحصیلات و رفتارهای زیست‌محیطی

با توجه به سطح سنجش متغیرها از ضریب هم‌بستگی تاوویی کندال برای بررسی رفتارهای دو متغیر استفاده شد. نتایج ضریب هم‌بستگی تاوویی کندال نشان داد که بین متغیرهای مورد بررسی، یعنی رفتارهای زیست‌محیطی و سطح تحصیلات، رابطه معنی‌داری وجود دارد که سطح معنی‌داری ۰/۰۰ و جهت این رابطه نیز مثبت و مستقیم است؛ یعنی به موازات افزایش سطح تحصیلات رفتارهای مساعد زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۶. ماتریس هم‌بستگی بین متغیرهای زمینه‌ای با رفتارهای زیست‌محیطی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	درصد معتبر	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
جنسیت	رفتارهای زیست‌محیطی	۰/۰۵۳	-	۰/۰۴۰
تحصیلات	رفتارهای زیست‌محیطی	۰/۱۴۹	-	۰/۰۰

## ۶. نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین رفتارهای زیست‌محیطی و مفهوم سبک زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. به این معنی که نمی‌توان با توجه به مفهوم سبک زندگی رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان کلان‌شهر رشت را سنخ‌شناسی کرد. به طوری که بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق نشان داد بین میزان مطالعه و رفتارهای زیست‌محیطی و هم‌چنین زمینه مورد مطالعه (شامل شعر، رمان، تاریخ، اجتماعی، سیاسی، فلسفی، روان‌شناسی، روزنامه، و مجله) رابطه معناداری وجود ندارد. این احتمالاً می‌تواند ناشی از این باشد که موضوعی مربوط به محیط زیست در این حوزه مطرح نشده است. برای نمونه، قسمت اعظم متون کلاسیک شامل شعر و نثر در زبان فارسی در حوزه نصایح اخلاقی و پند و اندرز است و در دوران معاصر در پیوند با اوضاع اجتماعی و سیاسی بیش‌تر روابط انسان‌ها، حکومت، و سیاست بررسی شده است و مباحث زیست‌محیطی در مناسبات اجتماعی غایب بوده است. یا درباره رمان می‌توان گفت که بیش‌تر رمان‌های فارسی مضامین عاشقانه دارند.

با آن‌که نشریات در جوامع امروزی نقش مهمی در بازتولید و نشر اطلاعات دارد، اما یافته‌های تحقیق نشان داد که بین رفتارهای زیست‌محیطی و مطالعه نشریات اعم از روزنامه، مجله، و هم‌چنین وب رابطه معناداری وجود ندارد. این امر حاکی از آن است که نشریات در کشور ما مسئله محیط زیست را بررسی نمی‌کند یا به تازگی به این مسئله توجه نشان می‌دهد. در زمینه مطالعه کتاب‌های آموزشی می‌توان گفت که با توجه به جوان‌بودن جمعیت کشور، که اکثراً در سن تحصیل قرار دارند، و هم‌چنین گرایش‌های که امروزه به تحصیل در جامعه وجود دارد، این انتظار می‌رود که بین مطالعه منابع درسی در نهادهای رسمی آموزشی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه وجود داشته باشد، اما نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این انتظار با داده‌های تحقیق هم‌سو نیست. این مسئله با این قضیه بی‌ارتباط نیست که مباحث زیست‌محیطی در کتاب‌های آموزشی نهادهای رسمی کشور بیش‌تر ناظر بر شناخت زیست‌محیطی است تا سواد زیست‌محیطی یا نحوه مواجهه با طبیعت. یافته‌های تحقیق میبودی (۱۳۹۱) درباره جایگاه حفاظت از محیط زیست و تنوع زیست‌محیطی در کتاب‌های پایه علوم دوره ابتدایی نیز ناظر بر این موضوع است.

این امر در زمینه رفتن به کلاس‌های آموزشی، به‌منزله یکی از معرف‌های سرمایه فرهنگی، نیز مشاهده شد؛ این مسئله مؤید این است که بین رفتارهای زیست‌محیطی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود ندارد، هرچند این احتمال نیز وجود دارد که محتوای

کلاس‌های آموزشی ربطی به موضوع ما نداشته باشد. به علاوه، بین میزان گوش کردن به موسیقی و انواع آن و میزان تماشای فیلم و نوع فیلمی که تماشا می‌کنند با رفتار زیست‌محیطی رابطه‌ای مشاهده نشد. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که بین دآوری‌های ذوقی و رفتارهای زیست‌محیطی در شهرهایی مثل رشت رابطه‌ای وجود ندارد. خصوصاً در زمینه تماشای فیلم می‌توان گفت با توجه به این که اکثر پاسخ‌گویان بیان کرده بودند که بیش تر فیلم‌ها یا سریال‌های تولید داخل را مشاهده می‌کنند این امر می‌تواند صادق باشد، چراکه ما به جز فیلم *نارنجی‌پوش* داریوش مهرجویی فیلمی نداریم که محتوای زیست‌محیطی داشته باشد.

هم‌چنین بنا بر نتایج بین رفتارهای زیست‌محیطی و فعالیت‌های مذهبی، رفتارهای زیست‌محیطی با مقصد مسافرت، و رفتارهای زیست‌محیطی و محل اقامت در سفر رابطه‌ای یافت نشد. درباره گرایش‌های مذهبی می‌توان گفت که در آموزه‌های اسلامی محیط زیست زمینه‌ای است برای رابطه انسان با خدا و موهبتی است برای استفاده بشر، هم‌چنین در اسلام به آموزه‌هایی مانند اسراف‌نکردن یا رعایت حقوق حیوانات برمی‌خوریم، اما این مباحث در کنار احکام شرعی و اجتماعی دیگر پرورده نشده است. این در حالی است که یافته‌های تحقیق نواح و فروتن‌کیا (۱۳۹۰) در ارتباط با میزان دینداری و رفتارهای زیست‌محیطی نیز یافته‌های این پژوهش را تأیید می‌کند. شاید این گفته تیروش ساموئل درباره مذهب یهودیت که گفته است: «مذهب یهودیت تا همین اواخر توجه به مسائل زیست‌محیطی را امری کاملاً جدید تلقی می‌کرد» (کبین، ۱۳۸۳) درباره همه مذاهب صادق باشد. هم‌چنین در زمینه گردش‌گری و مسافرت می‌توان گفت که مباحثی مثل سفر مسئولانه جایی در مناسبات اجتماعی و فرهنگی ما ندارد هرچند به نظر نمی‌رسد که این امر مختص به ساکنان رشت باشد.

بنابراین، نتایج این تحقیق را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که محیط زیست در مناسبات اجتماعی مردمان رشت جایگاه حاشیه‌ای دارد (هرچند به نظر نمی‌رسد این مختص به کلان‌شهر رشت باشد)؛ به این معنی که یا محیط زیست بررسی نمی‌شود و اگر هم به آن توجه شود، مانند آلودگی هوا و کمبود آب، نگاهی تکنوکرات است. مسائل زیست‌محیطی بسیار عمیق‌تر از آن است که بتوان با راه‌حل‌های موقتی جلو آن را گرفت. «مفهوم محیط زیست برای بیش از سه دهه است که وارد فضای گفتمان معاصر شده است» (بری، ۱۳۸۰). چیزی که مسلم است این است که مسئله محیط زیست از بحثی قرن‌نوزدهمی میان نخبگان جوامع مسلط به موضوعی برای مناقشه در عرصه عمومی تبدیل شده است؛ این در حالی



است که به نظر می‌رسد محیط زیست در جامعه ما هنوز امری نخبه‌گرایانه است. غایب بودن محیط زیست در مناسبات اجتماعی و سیاسی جامعه ما علاوه بر ریشه‌های تاریخی و اجتماعی آن با نگاه ابزاری دولت به محیط زیست بی‌ارتباط نیست. به این معنی دولت، به‌منزله بزرگ‌ترین مجری طرح‌های عمرانی در کشور، در مواجهه با محیط زیست کم‌تر مسئولانه برخورد کرده و تأثیر طرح‌های عمرانی خود را در محیط زیست کم‌تر ارزیابی کرده است. این نگاه ابزاری را می‌توان در فقدان مفهوم محیط زیست و سواد زیست‌محیطی در نهادهای آموزشی و عرصه‌های عمومی مشاهده کرد؛ به‌طوری که حتی زیرساخت‌های لازم و کافی برای بازیافت مواد زائد را فراهم نکرده است.

## کتاب‌نامه

- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰.
- ادهمی، عبدالرضا و الهام اکبرزاده (۱۳۹۰). «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۵ و ۱۸ تهران)»، *مجله جامعه‌شناختی مطالعات جوانان*، ش ۱.
- بری، جان (۱۳۸۰). *محیط زیست و نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه پویان حسن و نیره توکلی، تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.
- بک، الیزبیت (۱۳۸۸). *جامعه در مخاطره جهانی*، ترجمه محمدرضا مهدزاده، تهران: کویر.
- بنت، اندی (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: اختران.
- بن‌سن، جان (۱۳۸۲). *اخلاق زیست‌محیطی*، ترجمه محمدمهدی رستمی شاهرودی، تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.
- تومه، ژرژ (۱۳۸۰). *توسعه فرهنگی و محیط زیست*، ترجمه محمود شارع‌پور، تهران: باز.
- جعفرصالحی، سحر (۱۳۸۸). «بررسی الگوهای رفتاری گردشگران در محیط زیست مقصد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری‌شالی (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی*، تهران: لویه.
- سال‌نامه آماری استان گیلان (۱۳۹۰). مندرج در سایت درگاه ملی آمار ایران، <[www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)>
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- صالحی، صادق و لقمان امام‌قلی (۱۳۹۱). «مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ش ۳، ش ۱.
- عقیلی، سیدمحمود، غلام‌رضا خوش‌فر، و صادق صالحی (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران (مطالعه موردی: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)»، *فصل‌نامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، ش ۱۶، ش ۱.

#### ۱۰۴ تحلیل رفتارهای زیست‌محیطی ساکنان شهر رشت با تأکید بر سبک زندگی

فردوسی، سیما، شهناز مرتضوی، و نعیمه رضوانی (۱۳۸۶). «رابطه بین دانش زیست‌محیطی و رفتارهای محافظت از محیط»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ش ۵۳.

کاستلز، امانوئل (۱۳۸۴). *عصر اطلاعات اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

میبودی، حسین (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه حفاظت از محیط زیست و تنوع زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد لاهیجان.

نواح، عبدالرضا و شهروز فروتن‌کیا (۱۳۹۰). «بررسی رابطه میان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان شهر اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی.

Dunlap, R.E. and K.D. Van Liere (1978). 'The Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Rustle', *Journal of Environmental Education*, No. 9.

Dunlap, R.E. and K.D. Van Liere (1980). 'The Social Bases of Environmental Concern: A Review of Hypotheses, Explanations and Empirical Evidence', *Public Opinion Quarterly*, No. 44.

Dunlap, R.E. et al. (2000). 'Measuring Endorsement of the Environmental Ecological Paradigm: A Revised NEP scal', *Journal of Social Issues*, 56 (3).

Faillo, E.A. and S.K. Jacobsen (1994). 'Local Communities and Protected Areas: Attitudes of Rural Residents Towards Conservation Machailla National Park, Ecuador', *Environmental Conservation*, 22 (3).

Haanpaa, Lena (2007). 'Consumers' Green Commitment: Indication of a Postmodern Lifestyle?', *International Journal of Consumer Studies*, Vol. 31.

Mckibben, Bill (1999). 'Religion's Role in Saving the Environment', *American Academy of Arts and Sciences*, No. 130.

Stoddart, Mark et al. (2012). 'Governments Have the Power? Interpretations of Climate Change Responsibility and Solutions among Canadian Environmentalists', *Sage Journals, Organization and Environment*, Vol. 25.

Szerényi, Z. (2011). 'Consumer Behavior and Lifestyle Patterns of Hungarian Students in View of Environmental Awareness', *Society and Economy*, 33 (1).

Thomas, M. Laidley (2013). *The Influence of Social Class and Cultural Variables on Environmental Behaviors*, Boston: Boston College.